

گپ

گپ کوتاه صبا با ناهید طباطبایی
جهان بینی مشترک در اقتباس



سینماگران ایرانی طی دهه‌های اخیر کمتر به سمت اقتباس از آثار ادبی ایرانی رفته‌اند و این قضیه، همیشه پرسش برانگیز بوده است. برخی معتقدند که حجم کم آثار اقتباسی در سینمای ایران -در مقایسه با الگوهای مادر در صنعت سینما- به نبود مطالعه و ارتباط ضعیف سینماگر با ادبیات بازمی‌گردد و گروهی دیگر ضعف را در آثار ادبی جستجو می‌کنند و این که شاید اصلاً نویسندگان ایرانی علاقه‌ای به اقتباس سینمایی بر اساس داستان‌هایشان نداشته باشند.

ناهید طباطبایی نویسنده‌ای است که تا همین امروز دو تجربه اقتباس دارد. یکی از آن‌ها فیلم «چهل سالگی» است که علیرضا ریسیان کارگردانی آن را بر عهده داشت و دیگری فیلم «جامه‌دران» به کارگردانی حمیدرضا قلمی است که برای شرکت در جشنواره سی و سوم فیلم فجر آماده می‌شود. از «ناهد طباطبایی» می‌پرسیم که از اقتباس‌هایی که تا به امروز از داستان‌های او شده، راضی است یا نه؟ می‌گوید: «منی توأم بگویم صد در صد راضی ام، اما وقتی نویسنده فیلمنامه فیلمی را می‌بیند، با او وقت نمی‌گذرد و هماهنگ با او حرکت نمی‌کند، بدیهی است که نمی‌تواند کاملاً نظرات او را تأمین کند. به نظر من وقتی داستانی، برای یک کار خلاقه دیگر، بستر ساز خلایق می‌شود، هر چه به اصل وفادار تر باشد موفق تر است. این امر موقعی عملی است که خود نویسنده در نوشتن اثر دخیل باشد. بعضی وقت‌ها یک داستان قدیمی که در زمان دیگر و در مکانی دیگر اتفاق می‌افتد، محل نگارش یک فیلمنامه می‌شود. مثل آثاری که با اقتباس از نمایشنامه‌های شکسپیر ساخته شده، مانند «داستان وست ساید» که از رومئو و ژولیت اقتباس شده و بسیار خوش ساخت و عالی است. اینگونه اقتباس‌ها که با زمان و جغرافیای خاص آدپته می‌شوند و نویسندگان و کارگردانی‌ها آن‌ها را با تصویر سازی معمولاً موفق هستند. در واقع موفقیت اینگونه آثار به حرفه‌ای بودن عوامل آن بستگی دارد.»

قصه‌ای که در قالب یک فیلم سینمایی ارائه می‌شود، ممکن است متفاوت از تصویر سازی باشد که یک نویسنده از داستانش دارد، به نظر طباطبایی: «چهل سالگی» علیرضا ریسیان با تغییرات زیادی نسبت به نوشته او همراه بوده است؛ اقتباسی که علیرضا ریسیان ساخت تغییرات زیادی کرد و من تمام آن تغییرات را نپسندیدم، اما روی هر رفته فیلم خوبی بود.»

با همین دو تجربه به نظر می‌رسد که ناهید طباطبایی به خوبی می‌داند که یک فیلمنامه اقتباسی چه ویژگی‌هایی دارد. او می‌گوید: «به نظر من زمانی اینگونه از فیلم‌ها موفق هستند که کارگردان و نویسنده، جهان بینی و درد مشترکی داشته باشند، تجارب مشابهی را پشت سر گذاشته باشند و به نوعی با هم هماهنگ باشند. از این نگاه، توافق بین نویسنده و کارگردان و نویسنده ضروری است.»

طباطبایی هنوز فیلم تمام شده «جامه‌دران» را ندیده است. اما می‌گوید که فیلم به متن وفادار است: «منظرم «جامه‌دران» از آن دست فیلم‌هایی باشد که به متن اولیه وفادار است. من هنوز فیلم را ندیده‌ام اما فیلمنامه را با آقای کسبی نوشتم و به آن مطمئن هستم.» هر که کسی قصه مورد علاقه دارد، قصه‌ای که دوست دارد هر چه زودتر به تصویر تبدیل شود و ممکن است که آن داستان نوشته خود فرد نباشد. ناهید طباطبایی هم از علاقه قدیمی‌اش برای تبدیل شدن نخستین مجموعه داستانش به فیلم می‌گوید: «دوست داشتم «پانوی جوانی خویش» را آقای بیضایی می‌ساختند. خودشان هم داستان را دوست داشتند اما امکانات تولیدش فراهم نشد.»



مروری بر اقتباس و آثار اقتباسی در سینمای ایران

رقص واژه‌ها روی پرده سینما

المیرا حصارکی

اقتباس در سینمای ایران، گرچه مانند هالیوود و سینمای اروپا، به رویه و قاعده بدل نشده اما سال‌هاست همه کارشناسان بر این واقعیت صحنه گذاشته‌اند که سینمای ایران هیچگاه از اقتباس ادبی ضرر نکرده است. اگر انواع اقتباس (اقتباس آزاد، اقتباس وفادار و اقتباس عین به عین) را در نظر بگیریم، امسال و تا اینجا کار می‌توان به چندین فیلم اشاره کرد که ما به‌هایی از اقتباسی در آن‌ها دیده می‌شود. فیلم‌هایی مثل «اشباح» در پوش مهرجویی، «آذر، شهذخت، پرویز و دیگران» بهروز افخمی، «شمار ۱۴۳»

نرگس آبیاری و... همچنین قرار است آخرین فیلم سینمایی بهرام توکلی روی پرده سینماها بیاید که این فیلم هم مثل چند اثر قبلی این فیلمساز ما به‌هایی از اقتباس را با خود دارد. «بیگانه» نمایش چند فیلم اقتباسی در ماه‌های اخیر، بهانه‌ای است برای مرور دوباره آثار اقتباسی سینمای ایران. فیلم‌هایی که هر کدام، ویژگی‌های خاص خودشان را دارند و تقریباً می‌توان اینطور گفت که بیشتر آن‌ها جزو فیلم‌های تأثیر گذار سینمای ایران به حساب می‌آیند. از ماجرای تخصصی‌اش که بگذریم، بحث میان مخاطبان مطرح می‌شود. مخاطبانی که به دو دسته دوست‌داران ادبیات و سینما تقسیم می‌شوند، بحث و جدلی که از ابتدا بین این دو دسته وجود داشته و این دو سؤال همیشگی که مطرح می‌شوند، فیلم بهتر از کتاب است یا کتاب بهتر از فیلم است؟ در میان فیلم‌های ایرانی که نمی‌توان به قضاوت در دست رسید، چرا که نمونه اقتباس از کتاب‌های ایرانی کم و انگشت‌شمار است، اما در سینمای جهان کمتر باری شده که یک فیلم اقتباسی بتواند هر دو دسته را راضی نگه دارد. در این گزارش قصد داریم مروری بر فیلم‌های شاخص اقتباسی ایرانی داشته باشیم.

با داستان «فرنی و زویی» سلینجر نوشت. بعد از ساخت «پری»، سلینجر در دسترس‌های زیادی را برای مهرجویی ایجاد کرد. نویسنده تارک دنیا که حتی به عکاس‌ها اجازه عکاسی از خودش را نمی‌داد، با متوجه شدن این موضوع که یک کارگردان ایرانی از روی داستان فیلم ساخته، حساسی از کوره در رفت و تمام تلاش را کرد تا فیلم را ننویسد. در میان فیلم‌های مهرجویی، سه فیلم شاخص دیده می‌شود که هر سه قصه‌شان را از یک داستان ایرانی وام گرفته‌اند. «درخت گلایی»، «لیلا» و «همان مامان». داریوش مهرجویی برای ساخت «درخت گلایی» سراغ گلی ترقی رفت و داستان را از زبان قهرمان داستان روایت کرد که به باغ دوران کودکی‌اش بازگشته و خاطرات کودکی او را مرور می‌کند. اولین عشق زندگی‌اش را به یاد می‌آورد. فیلم نوستالژیک که با حال و هوای عاشقانه، بعد از تمام این سال‌ها هنوز هم تجربه شیرین و دلنشینی را به تصویر می‌کشد. مهرجویی برای ساخت «لیلا» سراغ داستانی از مهناز انصاری رفت و قصه ماندگاری را در عرصه فیلم‌های اجتماعی و خانوادگی ساخت. فیلمی که در بیستمین دوره جشنواره فیلم فجر، به عنوان بهترین فیلم در این ژانر بعد از انقلاب انتخاب شد. داریوش مهرجویی برای ساخت فیلم «همان مامان» سراغ داستانی از داستان نویس دوست‌داشتنی ایرانی، هوشنگ مرادی کرمانی رفت و یک قصه خودمانی را با بازی‌های خوب به تصویر کشید.

تجربه شیرین این اقتباس فیلم «شب‌های روشن» یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران است. یک عاشقانه آرام که پر است از دیالوگ‌های عمیق و عجیب! فیلم داستان یک خطی‌اش را از کتاب معروف «شب‌های سپید» داستایوفسکی وام گرفته است، اما به جرئت می‌توان اینطور گفت ایرانی‌ترین فیلم سال‌های اخیر است. شعرهای ایرانی از شعری قدیمی ایرانی در تمام سکانس‌ها به گوش می‌رسد. داستانی که سال‌ها قبل لوکینو ویسکونتی سراغش رفت و فیلمی با بازی ماریا شل و مارچلو ماسترو یوانی ساخت. «شب‌های روشن» یا کارگردانی خوب فرزند مومن، تبدیل به یکی از بهترین اقتباس‌های عاشقانه سال‌های اخیر سینمای ایران شده است. کارگردان شب‌های روشن در جواب به این سؤال که اقتباس تجربه شیرینی است یا نه می‌گوید: «اقتباسی که مادر «شب‌های روشن» داشتیم یک اقباس آزاد بود. در واقع تنها داستان یک خطی‌اش را از زمان داستایوفسکی گرفتیم. باقی داستان منتهی بر تجربیات شخصی بود. سعی کردیم فیلم را از مسیر فرهنگ و ادبیات ایرانی عبور دهیم. به نظر من فیلم شده بیشتر از آن که شبیه به داستانی از داستایوفسکی باشد، شبیه به قصه «شیرین صنعا» دختر ترسا» عطاری است. احساس می‌کنم که همیشه باید در اقتباس‌هایی که از داستان‌های خارجی می‌شود، این اتفاق صورت بگیرد. یعنی ما باید داستان فیلم را به طرف فرهنگ

داستانی از غرب دنیا، قصه‌ای در جنوب ایران یکی از مهم‌ترین آثار سینمایی ایران، «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی برداشتی آزاد از «داشتن و نداشتن» همینگوی است. اقتباسی که نمونه خارجی آن هم ساخته شده است. «ناخدا خورشید» یکی از بهترین فیلم‌های سینمایی است، کارگردانی که سال‌های سال است که هیچ خبری از او نیست. به جرئت می‌توان اینطور گفت که در فهرست فیلم‌های اقتباس ایرانی، «ناخدا خورشید» می‌تواند در صدر قرار بگیرد، چرا که به خوبی فضای خارجی داستان همینگوی را تبدیل به فضای جنوب ایران کرده است و حتی در آن اشاره‌ای به تاریخ ایران و قتل منصور داشته است. او طوری داستان «ناخدا خورشید» را روایت کرده است که مخاطب ایران باور می‌کند که خورشید قهرمان اصلی داستان است، نه کاپیتان مورگان. «داشتن و نداشتن» با وجود قهرمانی چون کاپیتان مورگان از آن دسته آثار ادبی است که نظر سینماگران را به خود جلب می‌کند. سال ۱۹۳۶ هوارد هاکس فیلمی به همین نام با بازی همفری بوگارت ساخت که ویلیام فالکنر، نویسنده معروف یکی از فیلمنامه‌نویسان آن بود. نقشی که همفری بوگارت در این فیلم داشت و داریوش ارجمند در «ناخدا خورشید» بازی کرد که تا همین امروز یکی از بهترین نقش‌هایی است که ایفا کرده است.

حسن خوب نوستالژی کارگردان‌هایی است که اقتباس در بیشتر کارهای او دیده می‌شود و می‌توان گفت علاقه و مهارت بالایی در این حوزه دارد. از «گاو» و «پستیچی» و «دایره مینا» تا «سارا»، «پری»، «لیلا»، «درخت گلایی»، «همان مامان» و این‌ها آخرین فیلم‌های مهرجویی هستند که داریوش مهرجویی فیلمنامه‌اش را از داستان‌های خارجی ایرانی اقتباس کرده است. او «گاو» را بر اساس یکی از داستان‌های «اعزازان بیل» غلامحسین ساعدی نوشت. فیلم «پستیچی» با الهام از نمایش «ویزک» نوشته گئورگ کوختر بساخت نوشته شد و «دایره مینا» دومین اقتباس از غلامحسین ساعدی بود. فیلم‌های بعدی او «سارا» و «پری» بودند. دو فیلمی که اولی را بر اساس نمایشنامه معروف هنریک ایبسن به نام «خانه عروسک» نوشت و حاصل آن فیلم ماندگار «سارا» شد و «پری» که با نگاهی به داستانی از دی. جی. سلینجر ساخته شد. داریوش مهرجویی فیلمنامه «پری» را با نگاهی

در این حوزه دارد. از «گاو» و «پستیچی» و «دایره مینا» تا «سارا»، «پری»، «لیلا»، «درخت گلایی»، «همان مامان» و این‌ها آخرین فیلم‌های مهرجویی هستند که داریوش مهرجویی فیلمنامه‌اش را از داستان‌های خارجی ایرانی اقتباس کرده است. او «گاو» را بر اساس یکی از داستان‌های «اعزازان بیل» غلامحسین ساعدی نوشت. فیلم «پستیچی» با الهام از نمایش «ویزک» نوشته گئورگ کوختر بساخت نوشته شد و «دایره مینا» دومین اقتباس از غلامحسین ساعدی بود. فیلم‌های بعدی او «سارا» و «پری» بودند. دو فیلمی که اولی را بر اساس نمایشنامه معروف هنریک ایبسن به نام «خانه عروسک» نوشت و حاصل آن فیلم ماندگار «سارا» شد و «پری» که با نگاهی به داستانی از دی. جی. سلینجر ساخته شد. داریوش مهرجویی فیلمنامه «پری» را با نگاهی

در این حوزه دارد. از «گاو» و «پستیچی» و «دایره مینا» تا «سارا»، «پری»، «لیلا»، «درخت گلایی»، «همان مامان» و این‌ها آخرین فیلم‌های مهرجویی هستند که داریوش مهرجویی فیلمنامه‌اش را از داستان‌های خارجی ایرانی اقتباس کرده است. او «گاو» را بر اساس یکی از داستان‌های «اعزازان بیل» غلامحسین ساعدی نوشت. فیلم «پستیچی» با الهام از نمایش «ویزک» نوشته گئورگ کوختر بساخت نوشته شد و «دایره مینا» دومین اقتباس از غلامحسین ساعدی بود. فیلم‌های بعدی او «سارا» و «پری» بودند. دو فیلمی که اولی را بر اساس نمایشنامه معروف هنریک ایبسن به نام «خانه عروسک» نوشت و حاصل آن فیلم ماندگار «سارا» شد و «پری» که با نگاهی به داستانی از دی. جی. سلینجر ساخته شد. داریوش مهرجویی فیلمنامه «پری» را با نگاهی

و جامعه خودمان بکشیم و آن را ایرانی‌تر کنیم. در واقع باید انگیزه‌های شخصی و اجتماعی داشته باشیم و این را در نظر داشته باشیم که داستان یک خطی برای یک فیلم اقتباسی کافی است. اگر به این شکل آن را نگاه کنیم، نه تنها دست و پاگیر نیست، بلکه خیلی تجربه شیرین و لذت‌بخشی خواهد شد. به خصوص این که در ایران به لحاظ داستان گویی با مشکل روبه‌رو هستیم و این داستان‌های اروپایی و آمریکایی می‌توانند دست ما را بگیرند. تنها باید این را در نظر داشته باشیم که در آن‌ها غرق نشویم. نهایتاً باید فیلم خودمان ساخته شود.»

مرز میان وهم و واقعیت «بیگانه» اثر بهرام توکلی، اقتباس دوم او از تنسی ویلیامز است که البته اقتباس آزاد به شمار می‌رود و در عنوان‌بندی فیلم هم به این قضیه اشاره شده است. اولین اقتباس او از تنسی ویلیامز فیلم «اینجا بدون من» بود. فیلمی که همان داستان «باغ وحش شیشه‌ای» را با تغییراتی در جزئیات به فرهنگ ایرانی نزدیک کرده است. هر چند که در این میان نمی‌توانیم از بازی خوب فاطمه معتمد آریا غافل شویم. او به خوبی نقش یک مادر ایرانی را ایفا کرد و تعلیق در فضای بین رؤیا و واقعیت فرصت بیشتری برای بروز پیدا کرد. بهرام توکلی قبل از آن که تاین اندازه در سینما فعال باشد، در عرصه ادبیات هم دستی داشته و همین مهارت‌ش در این زمینه به او برای تولید فیلمنامه اقتباسی کمک کرده است. او برای این فیلم نگاهی به نمایشنامه «توبوسی به نام هوس» داشت. نمایشنامه‌ای که الیا کاران سال ۱۹۵۱ سرآه آن رفت و مارلون براندو، ویوین لی، کیم هنتر، کارل ماندسر، رودی باند و... در آن بازی کرده‌اند. اما اینجا بازیگرانی همچون فرهاد اصلانی، مهناز افشار، پانته‌ا بهرام، هومن برق نورد ایفای نقش کرده‌اند. یادومین اقتباس از تنسی ویلیامز اینطور به نظر می‌رسد که بهرام توکلی علاقه دو چندان به تنسی ویلیامز دارد. او مورد این علاقه می‌گوید: تنسی ویلیامز جزو معدود نمایشنامه‌نویس‌هایی است که در آثارش فضای بسیار ساده‌ای دارد اما نمایشنامه‌های او لایه‌های پنهان زیادی دارد. لذت کشف این لایه‌ها من را به این فضا کشید و اصلاً کاری به «اینجا بدون من» نداشتم. ضمن این که باید اشاره کنم «بیگانه» برداشتی آزاد از این نمایشنامه است و از دقیقه ۰۱۵، فیلمنامه به سمت دیگری جز آنچه در نمایشنامه تنسی ویلیامز نوشته شده است، می‌رود.

و دیگران نمی‌توان در مقوله سینمای اقتباسی نگاه دقیقی به تعداد فیلم‌های ایرانی داشت و همیشه نمونه‌هایی هستند که از فهرست جا می‌مانند. فیلم‌های زیادی با اقتباسی به متون تاریخی مذهبی ساخته شده است. فیلم‌هایی همچون «کلیسای سلیمان»، «روز واقعه» و... سلیمان را به همین نام نوشته مرجان شیرمحمدی ساخته است و این متن می‌تواند بر اساس قصه، داستان، رمان و داستان کوتاه ساخته شود. بهروز افخمی هم جزو کارگردانی‌های است که «آذر، شهذخت، پرویز و دیگران» را بر اساس داستانی به همین نام نوشته مرجان شیرمحمدی ساخته است و پیش‌تر از آن فیلم «لاو خونگی» را بر اساس داستانی از جعفر مدرس صادقی ساخت. ابراهیم حاتم‌کی برای سخت فیلم «چ»، نگاهی به نوشته‌های شهید چمران به خصوص خاطرات او از پناه دارد. به طوری که چند روز پیش مهدی چمران، عضو شورای شهر تهران و برادر شهید خاطرات چمران، اعلام کرد حاتم‌کی‌ای‌در روایت سینمایی مصطفی چمران، امانتدار بوده است. می‌توانیم به فیلم «پادشاه سکوت» به کارگردانی مازیار میری هم اشاره کنیم که آن را بر اساس داستانی از احمد دهقان با عنوان «من قاتل پسر تان هستم» ساخت. این داستان دهقان یکی از داستان‌های مهم ادبیات دفاع مقدس است. «تغی می‌شود.» «تیلی» نیز عنوان فیلمی به کارگردانی میر لوجی است که با نگاهی به کتاب «موش‌ها و آدم‌ها» اثر نامدار جان اشتاین بک ساخته شده است. مرحوم سیفاله داد هم فیلم «مازمانده» را بر اساس داستانی به نام «بازگشت به حیفا» به قلم نویسنده مصری غسان کفانی ساخته که موضوع آن به سال ۱۹۴۸ میلادی و برای خودم زتاب نشین زخم زبانی این و آن را دارم. حتی برای کیمیایی هم متأسف نیستم چون او باز هم یک فیلم بر فروش ساخته است... من تنها برای «اوسنه باباسبحان» متأسفم. دلم می‌خواست از یک داستان ملی فیلمی چنین ساخته شود. چنین نیز می‌پنداشتم اما نشد و باباسبحان‌ها به تاراج رفتند. یک بار در زمین و یک بار در فیلم!»

افسانه‌های واقعی با رسیدن به اینجا متوجه می‌شویم که آثار سینمایی کمتری از ادبیات ایران وام گرفته است. اقتباس‌های چمران



بیگانه - بهرام توکلی



شب‌های روشن - فرزاد مومن



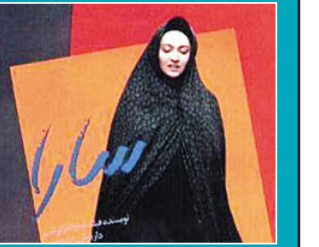
اینجا بدون من - بهرام توکلی



ناخدا خورشید - ناصر تقوایی



پری - داریوش مهرجویی

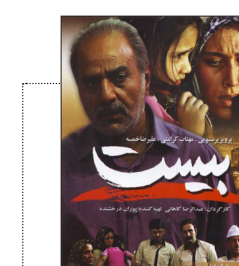


سارا - داریوش مهرجویی

عکس نوشت



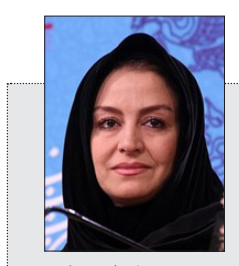
فیلم «ناخدا خورشید» یکی از بهترین فیلم‌های اقتباسی در سینمای ایران به حساب می‌آید، فیلمی که داستان یک خطی‌اش را از یک رمان خارجی وام گرفته، اما فضای ایرانی را به خوبی در فیلمش به تصویر کشیده است. فیلمی که سمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد (داریوش ارجمند) نشان داد. کارگردانی بهرام توکلی در کارش این دغدغه‌ها را به نمایش بگذارد، اتفاقی که در فیلم‌های بعدی او هم افتاد. کارگردان تالار غذاخوری در حال دریافت حقوق خود، بیست روز قبل از بسته شدن تالار... صاحب تالار، چیه؟ ۱۴٪ / آهشیز، کجا برم؟! من دستم اینجا علیش شده! این دست علیش، کی بیرون بهم کار می‌ده؟ بیمه هم که ندارم - خسارتش رو می‌دم... / تو ای همین سال چه‌دار نشدم که تو ای تالار بمونم... خسارت چی؟ - / خب / واشه چی بچه‌دار نشدی؟ / (با بغض) خب می‌نذاختم بیرون دیگه - / خب معلومه که می‌نذاختم بیرون! (خطاب به جمع)؛ این بیست روزم هر کی درست کار کنه، از حقوقش کم می‌کنم



«بیست» اولین فیلم بلند عبدالرضا کاهانی بود که با بازی در خشان پرویز پرستویی، علیرضا خشمه، مهتاب کرامتی، مهراڻ احمدی، فرشته صدر عرفایی و... به آکران عمومی در آمد. داستان فیلم در مورد مرد رستوران داری است که می‌خواهد رستوران‌اش را بفروشد و تعطیل کند و کارگران نگران بیکاری‌شان هستند، اما اخیر نندارد که سر نوشت چه قصه‌ای را برای آن‌ها از قبل نوشته است. عبدالرضا کاهانی با ساختن «بیست» نشان داد کارگردانی است که دغدغه‌های اجتماعی دارد و سعی دارد در کارش این دغدغه‌ها را به نمایش بگذارد، اتفاقی که در فیلم‌های بعدی او هم افتاد. کارگردان تالار غذاخوری در حال دریافت حقوق خود، بیست روز قبل از بسته شدن تالار... صاحب تالار، چیه؟ ۱۴٪ / آهشیز، کجا برم؟! من دستم اینجا علیش شده! این دست علیش، کی بیرون بهم کار می‌ده؟ بیمه هم که ندارم - خسارتش رو می‌دم... / تو ای همین سال چه‌دار نشدم که تو ای تالار بمونم... خسارت چی؟ - / خب / واشه چی بچه‌دار نشدی؟ / (با بغض) خب می‌نذاختم بیرون دیگه - / خب معلومه که می‌نذاختم بیرون! (خطاب به جمع)؛ این بیست روزم هر کی درست کار کنه، از حقوقش کم می‌کنم

دیالوگ باز

«بیست» اولین فیلم بلند عبدالرضا کاهانی بود که با بازی در خشان پرویز پرستویی، علیرضا خشمه، مهتاب کرامتی، مهراڻ احمدی، فرشته صدر عرفایی و... به آکران عمومی در آمد. داستان فیلم در مورد مرد رستوران داری است که می‌خواهد رستوران‌اش را بفروشد و تعطیل کند و کارگران نگران بیکاری‌شان هستند، اما اخیر نندارد که سر نوشت چه قصه‌ای را برای آن‌ها از قبل نوشته است. عبدالرضا کاهانی با ساختن «بیست» نشان داد کارگردانی است که دغدغه‌های اجتماعی دارد و سعی دارد در کارش این دغدغه‌ها را به نمایش بگذارد، اتفاقی که در فیلم‌های بعدی او هم افتاد. کارگردان تالار غذاخوری در حال دریافت حقوق خود، بیست روز قبل از بسته شدن تالار... صاحب تالار، چیه؟ ۱۴٪ / آهشیز، کجا برم؟! من دستم اینجا علیش شده! این دست علیش، کی بیرون بهم کار می‌ده؟ بیمه هم که ندارم - خسارتش رو می‌دم... / تو ای همین سال چه‌دار نشدم که تو ای تالار بمونم... خسارت چی؟ - / خب / واشه چی بچه‌دار نشدی؟ / (با بغض) خب می‌نذاختم بیرون دیگه - / خب معلومه که می‌نذاختم بیرون! (خطاب به جمع)؛ این بیست روزم هر کی درست کار کنه، از حقوقش کم می‌کنم



انتظار مریلا زارعی از شبیار ۱۴۳
این روزها فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» روی پرده سینماهاست. فیلمی که از زمان آکرانش در جشنواره فیلم فجر مورد توجه منتقدان قرار گرفت و این روزها با اقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌روست. مریلا زارعی یکی از بهترین نقش‌هایش را در این فیلم ارائه داده است. او در مورد انتظاری که از فیلم داشته و نقش خود قبل از ایفای آن می‌گوید: «انتظار نداشتم اتفاق خاصی بیفتد و ما ملاک‌هایی که برای انتخاب نقش داشتم و بین گزینه‌هایی که داشتم، احساس کردم که نقش الفت سخت‌تر و البته جذاب‌تر است. چون معمولاً وقتی وارد کارهای سخت‌تر می‌شوم، احساس می‌کنم قابلیت‌های جدیدی را می‌توانم در مورد خودم پیدا کنم، به همین دلیل از نقش‌های سخت‌تر استقبال بیشتری می‌کنم. البته در مورد «شیار ۱۴۳» این حرف را الان می‌زنم. و گرنه در زمان انتخاب، جیسارنی را که الان زمان صحبت کردن درباره آن دارم، نداشتم. چون اگر چه به دلیل تفاوت‌ها با نقش‌های دیگر در دسر دارم، مثلاً وارد مقاطعی سنی می‌شدم که معمولاً باز بگردان ترجیح می‌دهند از آن فرار کنند، اما فکر می‌کردم ارزش ریسک هم دارد. ضمن این که پیش از همه این‌ها بار، عاطفی نقش جذیب کرد.»